مکی‌زاده، فاطمه؛ بیگدلی، زاهد (۱۳۹۳). نظریه شناخت اجتماعی: رویکردی موثر در رفتارهای اطلاعاتی.*پژوهش‌نامه کتابداری واطلاع رسانی*، ۴ (۲)،۱۴۷– ۱۳۱.

نظریه شناخت اجتماعی: رویکردی مؤثر در رفتارهای اطلاعاتی

دکتر فاطمه مکی‌زاده [۱]،دکتر زاهد بیگدلی [۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲   تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۰

چکیده

هدف: *رفتار اطلاعاتی، فرایندی تعاملی است که در آن اغلب افراد پس از احساس نیاز اطلاعاتی برای ارضای آن اقداماتی صورت می‌دهند. در مفهوم جدید، استفاده‌کننده از اطلاعات صرفاً به‌عنوان کاربر، جستجوگر و یا مصرف‌کننده تلقی نمی‌شود؛ بلکه انسانی در نظر گرفته می‌شود که در چارچوب جامعه‌شناسی، روانشناسی، معرفت‌شناختی و فیزیکی ویژه‌ای به جستجوی اطلاعات مبادرت می‌کند. این مقاله به بررسی نظریه شناخت اجتماعی و اهمیت به‌کارگیری آن به‌ویژه در رفتار اطلاعاتی می‌پردازد.*

روش: *روش این پژوهش توصیفی- تحلیلی است و گردآوری مطالب آن از طریق مرور منابع می‌باشد.*

یافته‌ها: *حاصل تحلیل‌ها نشان داد که فعالیت‌های اطلاعاتی بدون توجه به محیط و رفتار کاربر نمی‌تواند به روشنی درک شود. رفتار، محیط، و افراد (و باورهایشان) باهم تعامل می‌کنند و این کنش متقابل سه‌جانبه باید فهمیده شود تا اینکه کارکرد و رفتار اطلاعاتی فرد به خوبی درک گردد. این رویکرد، امکان بررسی و تحلیل جامع و منطبق بر عوامل اجتماعی و فردی رفتار اطلاعاتی یک جامعه را فراهم خواهد کرد؛ و در نتیجه راهگشای بهبود و توسعه نظام اطلاعاتی و بهره‌وری در جستجوی اطلاعات می‌شود.*

کلیدواژه‌ها: *نظریه شناخت اجتماعی، آلبرت بندورا، رفتارهای اطلاعاتی، یادگیری اجتماعی*

---

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه یزد makkizadeh@yahoo.com

۲.استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

چیستی نظریه شناخت اجتماعی

در دهه ۱۹۷۰ آلبرت بندورا[1] نظریهٔ یادگیری اجتماعی را به منظور تأکید بر اهمیت یادگیری مشاهده‌ای پیشنهاد داد. با رشد این نظریه و گسترش دامنهٔ آن به پدیده‌های روان‌شناختی، مانند انگیزه و مکانیسم‌های خود- گردان، بندورا آن را به نظریه شناخت اجتماعی تغییر نام داد (Fisher, Ardlz, & Mac Kchny, 2008).

اگرچه این نظریه مبتنی بر شرطی شدن عامل، مانند تغییر رفتار است، اما بنیادهای اصلی آن بر نمادسازی، فرضیه انگاری، جست‌وجوی روابط علت و معلول و پیش‌بینی پیامدهای رفتاری استوار است. به این جهت این نظریه آمیزه‌ای از رفتارگرایی و شناخت‌گرایی است. بندورا اعتقاد دارد که آموزش مستقیم، تنها وسیله برای یادگیری نیست. نظریه او، یک عنصر اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد و می‌گوید که مردم می‌توانند اطلاعات و رفتارهای جدید را از طریق مشاهده مردمان دیگر یاد بگیرند. این نوع یادگیری را که به یادگیری مشاهده‌ای (یا مدل‌سازی) معروف است می‌توان برای توضیح انواع گسترده‌ای از رفتارها به کار برد.

به عقیده بندورا محیط، بی‌شک در رفتار تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان نمونه، نظام اجتماعی از راه تشویق و تنبیه، افراد جامعه را به اجرای رفتارهای معینی وادار می‌سازد؛ یعنی، رفتار انسان بر جبرگرایی متقابل[2] پایه‌ریزی می‌شود. او برای توضیح یادگیری اجتماعی خود به مواردی مانند چارچوب ادراکی، یادگیری حرکتی و جانشینی، یادگیری و عملکرد، اهمیت تقلید در یادگیری، الگوبرداری و مشاهده اشاره می‌کند.

نظریه شناخت اجتماعی و رفتار اطلاعاتی

تیلور رفتار اطلاعاتی را مجموعه فرایندهایی می‌داند که در نهایت به اطلاعات سودمند منجر می‌شود رفتارهای اطلاعاتی ریشه در نیازهای اطلاعاتی کاربران دارد. میان محیط، وظیفه و ویژگی‌های روانی و اجتماعی کاربران تعاملی وجود دارد. در فرایند تعامل، اغلب افراد پس از احساس نیاز اطلاعاتی برای ارضای آن اقداماتی صورت می‌دهند (Davarpanah, 2007). تأکید کنونی بر نیاز کاربران، پژوهشگران را واداشته است تا درباره مفهوم رفتار اطلاع‌یابی با بهره‌گیری از مبانی نظری روانشناسی،

1. Bandura
2. reciprocal determinism

جامعه‌شناسی و نظریه ارتباطات تحقیق کنند (Hayden, 2003).

Wilson (2000) رفتار اطلاعاتی را جستجوی هدفمند برای یافتن اطلاعات مورد نیاز می‌داند. وی معتقد است رفتار اطلاعاتی فرایندی است که در تعامل دائمی با افراد، شبکه‌های اجتماعی، موقعیت‌ها و زمینه‌های گوناگون شکل گرفته است. ویلسون در نظراتش به این موضوع اشاره دارد که محیط کار و زندگی و محیط اجتماعی بر شکل‌گیری نیاز اطلاعاتی اثر می‌گذارد. تفاوت‌های فردی، داشتن فرایند ادراکی متفاوت بر رفتار اطلاعاتی اثرگذار است. بافت اجتماعی یا جایگاه و محیطی که افراد در آن زندگی و کار می‌کنند، بر رفتار اطلاعاتی اثر می‌گذارد. Case (2002) در پژوهشی با بررسی رفتار اطلاعاتی متخصصان رشته‌های مختلف به این نتیجه رسید که در رفتار اطلاع‌یابی این گروه‌ها تفاوتی دیده می‌شود که ناشی از عوامل شغلی و محیط کاری آنان است.

عنصرهای عاطفی، شناختی و کنش‌ها در فرایند جستجوی اطلاعات مورد توجه است. در فرایند جستجو، کاربر در هر مرحله احساس، تفکر و کنش ویژه‌ای دارد. که همه این‌ها در محیط اطلاعاتی شکل می‌گیرند و تحت تأثیر استفاده از اطلاعات دگرگون می‌شوند (Nouroozi Chakoly, 2006).

اینورسن[1] رفتار اطلاعاتی را بر پایه فضای شناختی کاربر، محیط سازمانی و اجتماعی می‌داند. در الگوی اینورسن کاربران الگوهایی از وظیفه‌ی کاری، نیازهای اطلاعاتی، مشکل‌ها و هدف‌های خود دارند که بیشتر ضمنی ولی قابل بیان است. وی معتقد است که فرایند اطلاع‌یابی با عوامل شناختی مانند: ادراک، حافظه، تشخیص، یادگیری و حل مسئله در پیوند است (Wilson , 1991 In Davarpanah, 2007).

ساراسویک[2] با ارائه الگوی تعامل طبقه‌ای در یک ساختار سه سطحی و اختصاص یک سطح به موقعیت کاربر نشان داد که به عنصر محیط توجه دارد. وی عنصر محیط را پیش از موقعیت کاربر در الگوی خود آورده است (Davarpanah & Salary, 2011).

بلکین[3] در الگوی اطلاع‌یابی، نیاز اطلاعاتی فرد را نتیجه ناهمگونی در وضعیت دانشی فرد می‌داند. وی در الگوی خود به دو جهان درونی و بیرونی فرد اشاره دارد که دانش ذهنی و عالم درونی فرد را اثر پذیر از عالم واقع یا بیرون می‌داند. بلکین نیز به زمینه و عنصرهای موقعیت نیاز اطلاعاتی توجه داشته و عقیده دارد که پی بردن به موقعیت کاربر، کلید حل معما است (Davarpanah, 2007).

تیلور[4] (۱۹۹۱) مفهوم محیط استفاده از اطلاعات را مطرح کرد. طبق تعریف تیلور محیط استفاده از

1. Inverson
2. Saracevic
3. Belkin
4. Taylor

اطلاعات عبارت است از: مجموعه عنصرهایی که بر جریان و استفاده از پیام‌های اطلاعاتی درون و برون از هر موجودیت تعریف‌شده‌ای تأثیر می‌گذارد. و همچنین تعیین‌کننده معیاری است که به واسطه آن پیام‌های اطلاعاتی مورد داوری قرار می‌گیرد. محیط استفاده از اطلاعات، بافت اجتماعی یا محیطی است که در آن تصمیم می‌گیرند چه اطلاعاتی در زمان مشخصی برای آن‌ها سودمند است Davarpanah & Salary, (2011).

برآیند پژوهش‌ها و دیدگاه صاحب‌نظران به روشنی نشان می‌دهد که رفتار اطلاعاتی مانند هر رفتار دیگری حاصل تعامل پیچیده‌ای است. عوامل درونی (ویژگی‌های فردی، شخصیتی، شناختی و ...) و بیرونی (عوامل اجتماعی، محیطی و گروه‌های اجتماعی...) بسیاری بر رفتار اطلاع‌یابی افراد اثرگذار است.

هر فرد با توجه به افق فکری خاص خود که تحت تأثیر عامل‌های مختلفی همچون منبع‌های اطلاعاتی دسترس‌پذیر، زمینه‌های شغلی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و عامل‌های شخصی شکل می‌گیرد، قادر است در فرایند اطلاع‌یابی، رفتارهای متفاوتی را از خود بروز دهد.

تا کنون پژوهش‌های تجربی در مورد جستجو و بازیابی اطلاعات با تأکید بر عوامل درونی دانش، افکار و احساسات کاربران بوده است. همچنین در پژوهش‌هایی که در مورد رفتار اطلاعاتی، به عوامل اجتماعی و یا محیطی تأکید داشته باشد، بیشتر، واسطه انسانی به‌عنوان یک منبع بوده است؛ برای مثال، Hall (1977) این مسئله را مطرح کرد که عملکردهای گوناگون اجرا شده توسط کاربران (مثل تحقیق، برنامه‌ریزی، اجرای اطلاعات) به‌طور مستقیم با مولفه‌های ارزش اطلاعات آن‌ها (مثل مختص بودن، عمق در مقابل وسعت، به موقع انجام شدن، و غیره) مرتبط بوده، و اینکه این پارامترها تعیین‌کننده اولویت کاربران به منابع اطلاعاتی همچون ابزارهای دسترسی، سرویس‌های جستجوی اطلاعات انسان- واسطه‌ای، و سرویس‌های تحلیل اطلاعات می‌باشند (Miwa, 2002). بسیاری دیگر از پژوهش‌ها ارائه دهنده اطلاعاتی در خصوص نحوه اطلاع‌یابی و همچنین مدل‌هایی هستند که بر فرایند ذهنی اطلاع‌یابی کاربران تأکید دارد.

همچنین در پاره‌ای دیگر از پژوهش‌ها با استفاده از روش مطالعه موردی، چگونگی بازیابی اطلاعات و در مواردی نیز رفتار اطلاع‌یابی کاربران خاص در محیطی مشخص مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از منابع اطلاعاتی بدون در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، فردی و محیطی، نمی‌تواند به روشنی درک شود. پژوهش‌ها در موضوع جستجوی اطلاعات نشان داده است که رویکردهای متفاوتی در این زمینه وجود دارد. نظریه شناخت اجتماعی، می‌تواند رویکردهای گوناگون جهت بررسی رفتار اطلاعاتی و جستجوی اطلاعات را میسر سازد.

کانون نظریه شناخت اجتماعی، به‌ویژه سودمندی آن برای مطالعات رفتار اطلاعاتی بر سه فرض زیر استوار است:

۱- فرض اول: علیت متقابل سه‌گانه مبنای این استدلال قرار می‌گیرد که عوامل رفتاری، شناختی و دیگر تأثیرات محیطی به صورت تعاملی عمل می‌کنند و تعیین‌کننده یکدیگر هستند (Fisher, Ardlz, & Mac Kchny, 2008).

در این نظریه محیط تعیین‌کننده اصلی رفتار نیست، بلکه هم رفتار و هم محیط قابل تغییرند. رفتار فرد تحت تأثیر نیروهای اجتماعی است. ولی نحوه برخورد و چگونگی تأثیرگذاری بر آن‌ها نیز در اختیار او است. همان‌قدر که شرایط محیطی انسان را شکل می‌دهد انسان نیز موقعیت‌ها را انتخاب می‌کند، بر دیگران تأثیر می‌گذارد و از دیگران تأثیر می‌گیرد. از سوی دیگر، وی روان‌شناسانی را که انسان را پاسخگر منفعل رویدادهای محیطی تلقی می‌کنند، مورد انتقاد قرار می‌دهد (Hrgnhan & Olson, 2007).

ویلسون در الگوی رفتار اطلاعاتی خود از مؤلفه‌های زمینه نیاز اطلاعاتی، متغیرهای مداخله‌گر، رفتار اطلاع‌یابی (فعال و غیرفعال) و پردازش استفاده از اطلاعات به‌عنوان عنصرهای اصلی رفتار اطلاعاتی یاد می‌کند. این الگو در متغیرهای مداخله به‌طور آشکار به عامل محیط اشاره دارد. وی در الگوی رفتار اطلاع‌یابی خود نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های روان‌شناختی، جمعیت‌شناسی، محیطی و ... فرایند اطلاع‌یابی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از نظر Paisly (1968) عوامل زیربنایی روان‌شناختی و جامعه‌شناسی در رفتار اطلاعاتی نقش اساسی دارند.

الگوی اطلاع‌یابی الیس بر عنصر ویژگی تأکید دارد. از نظر وی تعامل این ویژگی‌ها در اطلاع‌یابی تابع شرایط ویژه حاکم بر فعالیت‌های اطلاع‌یابی فرد در آن مقطع زمانی ویژه است.

تیلور (۱۹۹۱) معتقد است، محیط استفاده از اطلاعات بر مطالعه اطلاعات در بافت اجتماعی تأکید دارد و کاربر هسته این چارچوب مفهومی است (Davarpanah & Salary, 2011).

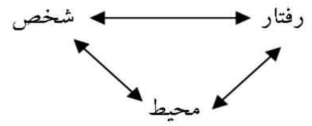
شاید بنیادی‌ترین پرسش در روان‌شناسی این باشد که علت رفتار آدمیان چیست؟ کسانی مانند اسکینر[1] معتقدند که رفتار تابعی از محیط است و اگر تقویت‌های محیطی تغییر کند رفتار تغییر می‌یابد. برخی مانند پیاژه[2] نیز بر سرشت یا آمادگی‌های پیشین، صفات یا حتی ویژگی‌های ارثی فرد تأکید می‌کنند.

رویکرد اگزیستانسیالیستی بر انتخاب و اراده آزاد افراد یعنی اینکه آن‌ها کمابیش آنچه را که می‌خواهند، انجام می‌دهند اصرار می‌ورزد. بندورا به این پرسش به گونه‌ای جامع پاسخ می‌دهد. پاسخ او

---

1. Skinner
2. Piaget

این است که شخص، محیط و رفتار فرد با هم به‌طور تعاملی عمل می‌کنند تا رفتار بعدی شخص را تعیین نمایند یعنی هیچ‌یک از این سه را نمی‌توان جدا از اجزای دیگر به‌عنوان تعیین‌کننده رفتار انسان به حساب آورد (Bandura, 1986).



شکل ۱. ارتباط متقابل سه گانه(Hrgnhan & Olson, 2007)

بندورا این موقعیت را جبر متقابل (تعیین‌گری متقابل) نامیده است. مفهوم جبرگرایی متقابل حاکی از این است که رفتار، محیط، و افراد (و باورهایشان) باهم تعامل می‌کنند و این کنش متقابل سه‌جانبه باید فهمیده شود تا اینکه کارکرد روانی فرد و رفتار او به خوبی درک گردد. به‌عنوان مثال می‌توان گفت که در جامعه امروز، اشخاص برای رفع نیاز اطلاعاتی خودشان، از محیط و رفتار افراد پیرامونشان بسیار تأثیر می‌پذیرند و حتی گاهی اوقات دیگر به دنبال منابع اطلاعاتی روزآمد و مستند نیستند و با پاسخ و یا رفتار افراد دیگر و یا با مشاهده چند نمونه سریع نتیجه‌گیری می‌کنند و دیگر به دنبال منابع بیشتر برای یافتن پاسخ نیستند. برخلاف رفتارگرایی کلاسیک در نظر بندورا ارتباط بین رفتار و تقویت ارتباطی مکانیکی و خودکار نیست، بلکه ارتباطی پیچیده و شناختی است. بندورا بیان می‌کند که در تصمیم‌گیری افراد، نه تنها عوامل بیرونی تأثیرگذارند بلکه عوامل درونی مانند پیش‌بینی نتایج پژوهش از قبل توسط فرد نیز بر نتایج پژوهش او تأثیرگذارند (Hrgnhan & Olson, 2007). به‌عنوان مثال اگر فرد قبل از انجام پژوهشی پیش‌بینی کند که به دلیل کمبود سخت‌گیری توسط نیروی انتظامی در رعایت قوانین، اکثر رانندگان قوانین را رعایت نمی‌کنند. در نهایت پس از مشاهده تعداد محدودی از رفتار رانندگان، سریعاً نتیجه‌گیری خواهد کرد که اکثر رانندگان قوانین را رعایت نمی‌کنند و به دنبال دلایل اساسی این بی‌توجهی به قانون نمی‌رود.

۲- فرض دوم : سطوح چندگانه اهداف بر این فرض استوار است که اهداف، رخدادهای حاصل از آینده نگری است که انگیزه رفتار فعلی انسان را شکل می دهند(Fisher, Ardlz, & Mac Kchny, 2008).

این نظریه مدلی از سطوح چندگانه اهداف را شامل می‌شود که در آن میان اهداف بلندمدت، به‌عنوان راهنمای کلی و اهداف فرعی ویژه که انتخاب سریع فعالیت‌ها توسط افراد را تعیین می‌کند تفاوت قائل می‌شود (Miwa, 2002). بحث اهداف در نظریه بندورا به موضوع خود نظم دهی رفتار مربوط می‌شود. انسان از تجربه مستقیم یا غیرمستقیم (جانشینی) می‌آموزد که از این طریق معیارهای عملکرد برای او به وجود می‌آید که بدین‌وسیله رفتار خود را نظم می‌بخشد. زمانی که این معیارها آموخته شد پایه‌ای

می‌شوند برای ارزشیابی شخصی فرد. اگر عملکرد شخص در یک موقعیت معین با معیارهای او هماهنگ باشد یا از آن بالاتر باشد، آن را مثبت ارزیابی می‌کند و برعکس. به‌عبارت‌دیگر، اعمال انسان هم از طریق تقویت درونی و هم از طریق تقویت بیرونی کنترل می‌شود. اکثریت نظریه‌های مربوط به خود نظم دهی بر اهداف تأکید دارند. یک هدف به میزان کیفیت و کمیت عملکرد اشاره دارد. داشتن هدف، عملکرد بهتر، تشویق افراد به تلاش بیشتر، پردازش بهتر اطلاعات، انتخاب و کاربرد راهبرد مناسب، خودکارآمدی و انگیزه و غیره را نتیجه می‌دهد. با تأثیر اهداف بر انگیزه، یادگیری، خودکارآمدی و خودارزشیابی باعث می‌شود خود نظم دهی افزایش یابد (Bandura, 1997) اهداف ویژگی‌هایی دارند که عبارت‌اند از: **اختصاصی بودن**[1] در مقابل اهداف کلی، **دشوار بودن**[2] در مقابل اهداف آسان و **نزدیک بودن**[3] در مقابل اهداف دور. به‌طورکلی عقیده بر این است که اهداف با این ویژگی‌ها، انگیزه بیشتر و خود نظم دهی بهتر را سبب می‌شوند (Schunk, 2001).

عواملی که در ایجاد هدف در مرحله بازیابی اطلاعات تأثیر دارند، شامل تحمیل، تأثیر اجتماعی و علائق فردی هستند.

- تحمیل

تحمیل زمانی رخ می‌دهد که افراد نه به این دلیل که خودشان یک نیاز اطلاعاتی را تعیین کرده‌اند در جستجوی اطلاعات هستند، بلکه به این دلیل که توسط فرد دیگری به آن واداشته شده‌اند، به جستجوی اطلاعات می‌پردازند. این خود به سه نوع تقسیم‌بندی می‌شود: **تحمیل هدف** (بر اساس اجبار به جستجوی اطلاعات پرداخته می‌شود)، **تحمیل منبع اطلاعات** (اطلاعات در پایگاه اطلاعات خاصی جستجو می‌شود)، **تحمیل موضوع** (موضوع خاصی جستجو می‌شود).

- تأثیر اجتماعی

زمانی افراد خود یک نیاز اطلاعاتی را تعیین نمی‌کنند، بلکه تحت تأثیر افراد دیگر و اجتماع می‌باشند.

- علائق فردی

منظور از علائق فردی آن است که افراد به دلیل علاقه شخصی و به میل خود به جستجوی اطلاعات می‌پردازند (Miwa, 2000).

1. specificity
2. difficulty
3. proximity

۳- فرض سوم: به باورهای شخص از خودکارآمدی‌اش دلالت دارد. ادراکات خودکارآمدی در نوع رفتارها، چگونگی تلاش و پاسخ‌های هیجانی شخص در هنگام انجام وظیفه و اجرا تأثیر بسزایی دارد (Savlynn, 2004)

افراد، رفتار و حالات عاطفی خود را به وجود می‌آورند و این‌ها به نوبه خود، جریان افکار، رفتار و حالات عاطفی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و آن‌ها هم به نوبه خود، روش انتخاب اعمال مردم و میزان تلاشی که به عمل می‌آورند، مقاومت آن‌ها در مقابل شکست و سطح دستیابی به موفقیت را تعیین می‌کنند (Fisher, Ardlz, & Mac Kchny, 2008).

به‌عبارت‌دیگر، خودکارآمدی، اعتقاد یک فرد به توانایی خود جهت موفق شدن در یک وضعیت خاص است. این اعتقاد، عامل تعیین‌کننده چگونگی تفکر، رفتار و احساس افراد است. بر این اساس، نگرش‌ها، توانائی‌ها و مهارت‌های شناختی هر فرد، تشکیل‌دهنده چیزی است که «سیستمِ خود[1]» نامیده می‌شود. این سیستم در چگونگی درک ما از شرایط مختلف و چگونگی رفتار ما در واکنش به آن‌ها، نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. خود-کارآمدی، بخش مهمی از این «سیستمِ خود» است (Bandura, 1986).

رویکردهای بررسی نظریه شناخت اجتماعی در رفتار اطلاعاتی

مطالعه‌های مختلفی در بررسی عوامل اجتماعی و یا محیطی در مورد جستجوی اطلاعات نشان داده است که رویکردهای متفاوتی در این زمینه وجود دارد. برای فهم رفتار اطلاعاتی کاربران لازم است پژوهشگران بافت اجتماعی محیط استفاده از اطلاعات شامل انواع اهداف، نقش‌های کاری، علائق، وظیفه‌ها، دسترس‌پذیری اطلاعات و کانال‌های ارتباطی و نیز ادراک افراد درباره کاربردپذیری این منابع را بررسی کنند.

پژوهش‌های زیادی در حوزه‌های مختلف نظریه شناخت اجتماعی را به‌عنوان یک نظریه تأیید و از آن اقتباس نموده‌اند. ویلسون (۱۹۹۶) الگوی گوناگونی از رفتار اطلاعاتی انسان را توسعه داد و با ترکیب آن‌ها با مدل‌های پژوهشگران دیگر، چارچوب کلی‌تری از طیف وسیعی از راهبردهای جستجو به وجود آورد. الگوی وی در مورد رفتار اطلاعاتی، خودکارآمدی را به‌عنوان قسمتی از سازوکار فعالیت اطلاع‌یابی به منظور تبیین این‌که چرا برخی نیازهای اطلاعاتی به رفتار اطلاعاتی نمی‌انجامد، به کار گرفت. مطالعه نقش متغیرهای مؤثر شناختی در توجیه عملکرد کاربران اطلاعاتی یکی از رویکردهای پژوهشی است.

با توجه به این دیدگاه(1999) Rouxel نظریه شناخت اجتماعی بندورا و متغیرهای مؤثر شناختی را

1. self - system

با عملکرد علمی سنجید. یافته‌ها نشان داد که زمانی که هدف توجیه عملکرد باشد، فرضیه عمومی بندورا درباره تأثیر خودکارآمدی بر عملکرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق اضطراب و زمانی که تفاوت‌های فردی در سطح دانش مدنظر قرار می‌گیرند، دیگر جوابگو نیست. متغیرهای مؤثر شناختی نقش مهمی را در توجیه عملکرد در هنگام پایین بودن سطح علمی کاربران ایفا کردند.

مطالعه تغییر در اهداف استفاده‌کنندگان در خلال فرایند جستجوی اطلاعات یکی از رویکردهای پژوهشی است. برای نمونه Miwa (2000) با ۶۲ استفاده‌کننده از پایگاه اطلاعاتی Ask ERIC به صورت تلفنی مصاحبه کرد و فرایند جستجوی آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. وی با تطبیق مفهوم‌سازی سطوح چندگانه اهداف نظریه شناختی اجتماعی بندورا، چندین بار تغییر در اهداف استفاده‌کنندگان را در خلال فرایند جستجوی اطلاعات شناسایی نمود. یافته‌های او ماهیت فرایند جستجوی اطلاعات را تأیید نمود.

رویکرد پژوهشی دیگر به شایستگی شبکه‌ای، به‌عنوان یکی از شایستگی‌های اطلاعاتی در جستجوی اطلاعات توجه دارد. در این زمینه Savolainen (2002) پرسش‌های مفهومی و عملی شایستگی شبکه‌ای را در زمینه جستجوی اطلاعات منعکس می‌سازد. به این ترتیب که شایستگی شبکه‌ای به‌عنوان یکی از شایستگی‌های اطلاعاتی در چهار حوزه کلی تعریف شده است: آگاهی از وجود منابع اطلاعاتی، استفاده ماهرانه از ابزار فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، قضاوت در مورد ربط اطلاعات به‌دست‌آمده، و ارتباطات. وی با توجه به عقاید شناخت اجتماعی آلبرت بندورا مدلی از شایستگی شبکه‌ای ارائه می‌کند که در این مدل، شایستگی شبکه‌ای در ارتباط با چهار عامل: شایستگی شبکه‌ای، خودکارآمدی، خواسته‌های بروندادی و عوامل تأثیرگذاری مانند اضطراب، و تجارب دریافت شده از جستجوی اطلاعات در اینترنت مورد بررسی قرار گرفته است. وی همچنین توجه ویژه‌ای به ربط بین شایستگی شبکه‌ای و خودکارآمدی دارد که بر قضاوت شخص از توانایی‌اش در سازماندهی و اجرای جستجو (مثل یافتن اطلاعات در وب) دلالت می‌کند.

به منظور درک عواملی که باعث می‌شود دانشجویان در استفاده از کتابخانه و به خصوص استفاده از منابع الکترونیکی تشویق شوند، Waldman (2003) پژوهشی را در این زمینه انجام داد. وی نقش خودکارآمدی در جستجوی اطلاعات را بر روی دانشجویان سال اول دانشکده باروچ[1] بررسی کرد. استفاده آنان از کتابخانه و رایانه تحلیل و با نمره‌شان با خودکارآمدی ارتباط داده شد. تحلیل آماری نشان

1. Baruch

داد که استفاده از کتابخانه با کاربرد منابع الکترونیکی کتابخانه ارتباط مستقیم دارد و دانشجویانی که به یادگیری مسائل مربوط به منابع الکترونیک کتابخانه علاقه دارند، احتمال اینکه خودکارآمدی بالاتری داشته باشند، بیشتراست.

با توجه به این موضوع که اشخاص به‌طورکلی علاقه دارند فعالیت‌هایشان را با خودکارآمدی بالا انجام دهند، می‌توان این نتیجه را گرفت که دانشجویان با خودکارآمدی بالا از آنچه اطرافشان است بیشتر سود می‌برند. اگر آن‌ها با منابع الکترونیکی (اینترنت، مجلات الکترونیکی، پایگاه‌های اطلاعاتی و غیره) آشنا و احساس راحتی می‌کنند، از آن استفاده می‌کنند و اگر موفقیت علمی خود را در گرو استفاده از این منابع می‌بینند، درباره آن یادگیری خواهند داشت (Ren, 2003).

Kurbanoglu (2003) طی پژوهشی موضوع خودکارآمدی در زمینه سواد اطلاعاتی و سواد کامپیوتری بر روی دانشجویان رشته مدیریت اطلاعات در دانشگاه حاجت تپه[1] در ترکیه را انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که تمرکز اولیه در درک مفهوم خودکارآمدی و در مرحله بعد به دست آوردن حس خودکارآمدی بود. اگرچه دانشجویان حس خودکارآمدی مثبت نسبت به سواد اطلاعاتی داشتند ولی تغییرات قابل ملاحظه‌ای در طول مدت تحقیق نشان داده نشد. حس خودکارآمدی دانشجویان در سواد اطلاعاتی و سواد کامپیوتری با همدیگر وابسته بودند.

رویکرد دیگری به تأثیر عوامل فردی و محیطی در پذیرش و استفاده از اطلاعات به‌عنوان یک چارچوب توجه دارد. بر پایه این رویکرد، Fagan, Neill, Wooldridge (2004) پژوهشی تجربی در زمینه خودکارآمدی، اضطراب، تجربه، پشتیبانی و استفاده کامپیوتری انجام دادند. آن‌ها با استفاده از "نظریه شناختی اجتماعی بندورا" و "نظریه رفتار بین فردی تراییندیس[2]" روابط بین این عوامل کلیدی در استفاده از فناوری اطلاعات را مورد بررسی قرار دادند. از نظر آنان، با توجه به نظریه شناختی اجتماعی بندورا، پشتیبانی و تجربه، با خودکارآمدی کامپیوتری رابطه مثبت و خودکارآمدی کامپیوتری با "اضطراب" رابطه منفی ولی با "استفاده" رابطه مثبت دارد. نظریه رفتار بین فردی تراییندیس نشان داد که تجربه با "استفاده" رابطه مثبت ولی اضطراب کامپیوتری با تجربه رابطه منفی دارد. با توجه به اظهارات آنان، شناخت این روابط مهم در پذیرش و استفاده از فناوری اطلاعات کمک بزرگی است.

نقش ساختار و کنش در شکل‌گیری رفتار اطلاعاتی با استفاده از نظریه اجتماعی و محیط استفاده، موضوع پژوهش داورپناه و سالاری (۱۳۹۰) بود. تحلیل‌ها نشان داد که همه فعالیت‌های اطلاعاتی درون

1. Hacettepe
2. Triandis's Theory of Interpersonal Behavior

بافت اجتماعی شکل می‌گیرد. استفاده از منابع اطلاعاتی بدون ملاحظه بافت اجتماعی و سازمانی آن نمی‌تواند به روشنی درک شود، زیرا بافت زمینه ظهور، طراحی، اجرا و استفاده از نظام اطلاعاتی است. این رویکرد امکان بررسی و تحلیل جامع و منطبق بر واقعیت‌های اجتماعی رفتار اطلاعاتی یک جامعه را فراهم خواهد کرد؛ و در نتیجه راهگشای بهبود و توسعه نظام اطلاعاتی خواهد شد.

کاربست نظریه شناخت اجتماعی در مطالعات رفتار اطلاعاتی

نظریه شناخت اجتماعی یک نظریه کلی یا فرا نظریه[1] قابل استفاده در انواع گوناگون رفتارهای روزمره انسان و از جمله رفتارهای اطلاعاتی است. این نظریه در زمینه‌های مختلف مورد آزمون و تأیید قرار گرفته است. این نظریه نه تنها در زمینه روانشناسی بلکه در حوزه‌های بی‌شمار دیگر از جمله جستجوی اطلاعاتی، استفاده از منابع الکترونیکی، استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی، اضطراب، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی، امنیت اطلاعات، فرایند آموزش، در فعالیت و موفقیت علمی، شایستگی شبکه‌ای، استفاده از کتابخانه و جامعه اطلاعاتی به کار گرفته شده است.

بر اساس نظریه شناخت اجتماعی بندورا، رفتار، محیط، و افراد (و باورهایشان) باهم تعامل می‌کنند و این کنش متقابل سه‌جانبه باید فهمیده شود تا اینکه کارکرد روانی فرد و رفتار او به خوبی درک گردد. این موضوع تحت عنوان جبر متقابل در نظریه بندورا وجود دارد. بر اساس این نظریه می‌توان گفت که:

شناخت رفتار را متأثر می‌سازد: در این قسمت می‌توان راهبردهای شناختی شامل انتظارات، عقاید، نگرش‌ها، تفکر را در کاربران به منظور تفکر عمیق‌تر و منطقی پیرامون حل مسئله ایجاد نمود (Fattahy, 2004).

رفتار شناخت را متأثر می‌سازد: رفتاری که تحت تأثیر شناخت قرار می‌گیرد، موجب می‌شود که کاربر انتظارات مثبتی از توانمندیهای خود داشته باشد و اعتماد به نفسش را افزایش دهد.

محیط رفتار را متأثر می‌سازد: اجرای برنامه‌های آموزش سواد اطلاعاتی و مهارت‌های اطلاعاتی برای کاربر، پیشرفت او را در جستجوی اطلاعات مرتبط و مناسب افزایش می‌دهد. به عبارتی جستجوگران دارای سواد اطلاعاتی، راهبردهای مهارت تبدیل نیاز به مسئله، فرمول سازی مسئله، پالایش پرسش، تعیین عبارت جستجو، انتخاب پایگاه مناسب با توجه به نوع اطلاعات مورد نیاز، مهارت در اجرای عملیات جستجو، آشنایی با واژگان تخصصی حوزه مورد جستجو، سواد رایانه‌ای و نهایتاً ارزیابی و تحلیل میزان ربط نتیجه جستجو با نیاز اطلاعاتی را نسبت به کسانی که فاقد سواد اطلاعاتی هستند بهتر و صحیح‌تر به

---

1. Metatheory

کار می‌برند(Qasemy, 2004; Zamany, 2009; Abbasi, & Parirokh, 2004) .

رفتار محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد: بهبود و پیشرفتی که از برنامه آموزش مهارت‌های اطلاعاتی حاصل می‌شود، این خود محرکی است برای دیگر کاربران و دیگر محیط‌های جستجو که آموزش سواد و مهارت‌های اطلاعاتی را سرلوحه کار خود قرار دهند. اهمیت این موضوع توسط نظری (۲۰۰۹) جمع‌بندی شده است. سواد اطلاعاتی، متأثر و برگرفته از بافتی است که در آن تبیین و اجرا می‌شود؛ بنابراین ماهیت و مفهوم سواد اطلاعاتی در بافتهای مختلف (مانند رشته‌های مختلف تحصیلی، محیط‌های مختلف یادگیری، کار و زندگی) متفاوت است. ازاین‌رو، اجرای علمی و عملی سواد اطلاعاتی، نیازمند مطالعه این مهم در بافتی است که سواد اطلاعاتی بناست در آن بافت تبیین، طراحی و اجرا شود.

محیط بر شناخت تأثیر می‌گذارد: محیطی که به آموزش سواد اطلاعاتی اهمیت می‌دهد، تفکر، عقاید، نظرات و نگرش کاربران را بهبود می‌بخشد. اینکه جستجوگران چطور مهارت‌ها از جمله تفکر انتقادی را فرا می‌گیرند و از آن به‌عنوان معیاری برای قضاوت میزان ربط منبع‌های جستجو شده استفاده می‌کنند، عامل اساسی در درک رفتار اطلاع‌یابی هستند Fattahy, 2004; Salary, & Hasanabady, 2004)

در الگوی بندورا عامل شخص (شناخت) نقش مهمی را ایفا می‌کند. عامل شناختی که او مورد تأکید قرار می‌دهد، **خودکارآمدی** است. نظریه خودکارآمدی این‌گونه است که رفتارهای شخص به این بستگی دارد که فرد باور داشته باشد می‌تواند عمل خاصی را با موفقیت به انجام رساند. (Savolainen, 2002).

آموزش راهبردهای ویژه به کاربر مانند تعیین اهداف کوتاه‌مدت بعدازاینکه اهداف بلندمدت ایجاد شدند، مراقبت از میزان پیشرفت به سوی هدف، دادن حق انتخاب به کاربر به منظور بالا بردن انگیزش درونی و غیره خودکارآمدی کاربر را افزایش می‌دهد. همچنین می‌توان محیطی ایجاد کرد که کاربر مدل‌سازی اجتماعی (مشاهده موفقیت دیگران) را تجربه کند. این موضوع همراه با تشویق کلامی کاربر این اعتقاد را به وجود می‌آورد که او قابلیت‌هایی دارد که می‌تواند از عهده فعالیت‌های مشابه به نحو موفقیت‌آمیزی برآید. احساس خودکارآمدی در بهره‌گیری از یک منبع اطلاعاتی به استفاده گسترده‌تر و دقیق‌تر از منبع منجر می‌شود. همچنین خودکارآمدی قدرت تشریح و تبیین سطوح مختلف عملیات جستجوی اطلاعات و حل مسئله را در خود دارد، فرایندهای درونی و بیرونی پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی را تغییر می‌دهد .(Santrak, 2006)

برای روشن شدن این مسئله می‌توان به یافته‌های تحقیقاتی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است، استناد نمود. Ren (2001) نشان داد که همبستگی مثبتی بین خودکارآمدی و تعداد دفعات استفاده از منابع الکترونیکی وجود دارد. Fagan, Neill, Wooldridge (2004) در پژوهشی نشان دادند که خودکارآمدی کامپیوتر با اضطراب، رابطه منفی ولی با استفاده رابطه مثبت دارد. در جای دیگر Tella & et.al. (2007) در یک بررسی در دانشگاه ایبادان[1] نشان دادند که دانشجویان با خودکارآمدی بالا، عملکرد علمی و استفاده بهتری از اطلاعات الکترونیکی داشتند. به عبارتی میان خودکارآمدی، عملکرد علمی و کاربرد اطلاعات ارتباط وجود دارد. Ren (2003) در پژوهشی دیگر این نتیجه را گرفت که دانشجویان با خودکارآمدی بالا از آنچه اطرافشان است بیشتر سود می‌برند. اگر آن‌ها با منابع الکترونیکی (اینترنت، مجلات الکترونیکی، پایگاه‌های اطلاعاتی و غیره) آشنا و احساس راحتی می‌کنند، از آن استفاده می‌کنند.

در بخش‌های دیگر از این نظریه بر **اهداف** که انگیزه رفتار فعلی انسان هستند تأکید می‌شود و اینکه اهداف درازمدت و سطوح بالاتر، اهداف سطح پایین‌تر را نظارت می‌کنند. کاربر در رفتارهای اطلاعاتی، اهداف خود را به چندین سطح تقسیم می‌کند. سطوح چندگانه اهداف در اهداف کاری مختلف، اهداف بازیابی اطلاعات در مطالعه تعامل بازیابی اطلاعات و همچنین در دخالت برای جرح و تعدیل اهداف در فرایند جستجوی اطلاعات سودمند است و با تأثیر گذاشتن بر انگیزه‌های فرد او را به جستجوی دامنه‌دارتر سوق می‌دهد. این تشخیص که از یافته‌های پژوهش Miwa (2000) بود، به خوبی با مدل هدف بندورا در نظریه اجتماعی‌اش سازگاری دارد. او همچنین دریافت که مقایسه اهداف سطح پایین‌تر با تقاضاهای کاربر از منبع اطلاعاتی می‌تواند درک بهتری از رابطه میان نیازهای اطلاعاتی شرکت‌کنندگان در پروژه و تقاضاهای آنان فراهم آورد. تمایز سطوح اهداف می‌تواند به تعدیل نیازهای اطلاعاتی کمک کند. همچنین، Prabu (2007) با استفاده از مدل چرخه‌ای روابط میان سختی هدف، موفقیت و خودکارآمدی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که موفقیت در رسیدن به اهداف اطلاعاتی در یک چرخه منجر به افزایش خودکارآمدی و خودکارآمدی چرخه‌های قبلی نیز باعث ایجاد انگیزه برای تدوین اهداف بزرگ‌تر در چرخه‌های بعدی شد. افرادی که انگیزش درونی نسبتا پایینی داشتند، موفقیت در رسیدن به اهداف، روی خودکارآمدی آنان تأثیر داشت.

1. Ibadan

نتیجه

نظریه شناخت اجتماعی یک نظریه کلی یا فرا نظریه قابل استفاده در انواع گوناگون رفتارهای روزمره انسان و از جمله رفتارهای اطلاعاتی است. این نظریه در زمینه‌های مختلف مورد آزمون و تأیید قرار گرفته است. این نظریه نه تنها در زمینه روانشناسی بلکه در حوزه‌های بی‌شمار دیگر از جمله جستجوی اطلاعاتی، استفاده از منابع الکترونیکی، استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی، اضطراب، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی، امنیت اطلاعات، فرایند آموزش، در مواردی مانند فعالیت و موفقیت علمی، شایستگی شبکه‌ای، استفاده از کتابخانه و جامعه اطلاعاتی به کار گرفته شده است. این نظریه عواملی از قبیل: خودکارآمدی، سطوح اهداف و تعامل متقابل شخص، رفتار و محیط را مدنظر قرار می‌دهد، که آنها می‌تواند به‌عنوان عواملی که باعث افزایش بهره‌وری در جستجوی اطلاعات می‌شود، مطرح شوند.

قدرت اصلی این نظریه در پژوهش رفتار اطلاعاتی به کاربرد آن در زمینه‌ها و شرایط متنوع، به‌ویژه در رفتار اطلاعاتی روزانه برمی‌گردد. بنابراین، نظریه مذکور به ترسیم یک تصویر بزرگ از رفتار اطلاعاتی انسان کمک می‌کند. هرچند بندورا و همکارانش روش تجربی را در توسعه و آزمون نظریه شناخت اجتماعی به کار بردند. کاربرد روش تجربی در پژوهش رفتار اطلاعاتی انسان در ارتباط با نظریه مشکل است. این امر اصولاً به این دلیل است که وضعیت شناختی و عاطفی رفتار اطلاع‌یابی انسان به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیست. رفتار اطلاع‌یابی انسان به‌طور غیرمنتظره و هنگامی آغاز می‌شود که شکافی در وضعیت ناهمگون دانش وی روی دهد. بنابراین استفاده از فن مشاهده مستقیم در جمع‌آوری داده‌های طبیعی رفتار انسان در رابطه با نظریه شناخت اجتماعی آسان نیست. این امر نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد تا بتوان الگوی کلی از رفتار اطلاعاتی انسان را در زندگی روزمره توسعه داد.

به‌کارگیری این نظریه می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب کلی برای پژوهش تجربی در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، آن‌گونه که Miwa (2000) تشریح کرد، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین این نظریه می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای پژوهش‌های پیمایشی آن‌گونه که Ren (2001) اجرا نمود، و برای تولید و ترکیب الگوهای خاص حوزه‌ای برای جستجوی اطلاعات و پژوهش‌های رفتار اطلاعاتی آن‌طور که Savolainen (2002) شرح داده است، به خدمت گرفته شود.

نظریه شناخت اجتماعی ممکن است ابزار سودمندی در نظریه‌سازی و طراحی پژوهش رفتار اطلاعاتی مانند تحلیل داده‌های تجربی باشد. برای نمونه عامل متقابل سه‌گانه ممکن است در توسعه چارچوبی برای به‌کارگیری و تصرف عوامل گوناگون شناختی، عاطفی و اجتماعی در پیوند با رفتار

اطلاعاتی انسان در موقعیت‌های زندگی روزمره سودمند باشد. سطوح چندگانه اهداف در اهداف کاری مختلف، اهداف بازیابی اطلاعات، مطالعه تعامل بازیابی اطلاعات و همچنین در دخالت برای جرح و تعدیل اهداف در فرایند جستجوی اطلاعات سودمند است. سرانجام خودکارآمدی، قدرت تشریح و تبیین سطوح مختلف عملیات جستجوی اطلاعات و حل مسئله را در خود دارد.

با این تفاسیر باید بیان نمود که به‌کارگیری نظریه شناخت اجتماعی در افزایش بهره‌وری کاربران کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و نیز در جستجوهای اطلاعاتی مهم و ضروری است. اگر نتوانیم به عمده‌ترین هدف اطلاع‌یابی که دستیابی به اطلاعات واقعی است دست پیدا کنیم، تمام هزینه‌هایی‌که صرف شده تا اطلاعات به دست کاربر نهایی برسد، به هدر رفته است.

References

Abbasi, Venus and Parirokh, M (2004). *Information literacy education, methods and strategies, users and the development of information literacy education booktitle*, Mashhad, Iran. Conference Proceedings. 197-214. (In Persian)

Bandura, A. (1997). *Self- efficacy: The exercise of control*. New York: W. H. Freeman and company .

Bandura, A. (1986). *Social foundation of thought and action: A social cognitive theory. Englewood Cliffs*, NJ: Prentice-Hall.

Case, Donald O. (2002). *A survey of research on information seeking, needs and behavior*. New York: Academic Press, Incorporated. Available online.

Davarpanah, M. R. (2007). *Information need and information Behavior*, Tehran: Dabizesh. (In Persian)

Davarpanah, M. R., & Salary, M. (2011). Social and environmental development of information theory role in shaping the structure and action of 'information-pattern, *Journal of Library and Information Science*, 1(1)7-27. (In Persian)

Fagan, M., Neil, S., and Wooldridge, BR. (2004). An empirical investigation into the relationship between computer self-efficacy, anxiety, experience, support and usage. *Journal of Computer Information Systems*, Winter, 95-104.

Fattahy, R. (2004). information literacy and Improving information behavior researchers: the need for integration of information literacy in the process of research and knowledge production. *Users training and development of information literacy in libraries and information centers*. Mashhad: Organization of libraries, museums and Documentation Center of Astan Qods Razavi, 135-152. (In Persian)

Fisher, K., Ardlz, S. & Mac Kchny, L. (2008). *Theories of information behavior*. Translation Zare F., Hajzainolabedy M., Heydari, G. & MaktabyfARD, l., Tehran: librarian. (In Persian)

Hall, H. J. (1977). User Value in the Selection of Information Services: Final Report. Exon Research and Engineering Company. (NSF C-1027; NTIS PB 269-507)

Hayden, K.A. (2003). *Information seeking models*. Retrieved November,2012 from www.ucalgary.ca/~ahayden/seeking.html.

Hrgnhan. B. R. & Olson, M.H. (2007). *Introduction to learning theory*. Translated by Ali Akbar Saif. 7 ED. Tehran: Doran publish. (In Persian)

Kurbanoglu, S. S. (2003). Self-efficacy: A concept closely linked to information literacy and lifelong learning. *Journal Of Documentation*, *59 (6)*, 635-646.

Miwa, M. (2000). Use of human intermediation in information problem solving: A users, perspective. *Syracuse, NY: ERIC Clearinghouse on information and technology*.

Morris, R.. T. (1996). The user-oriented information services. Translator Farajpahlou, *A.* , *Journal book*, 7 (2), 71-99. (In Persian)

Nazari, Maryam (2009). *Information Literacy for Online Distance Learning GIS Programmes*. PhD thesis. Department of Information Studies, University of Sheffield.

Nouroozi Chakoly, A. (2006). The main factors affecting the behavior of information seekers. *Journal of Library and Information Science*. 9 (1). 144. 175. (In Persian)

Paisly, W. J. (1968). *Information needs and uses. Annual review of information science and Technology*. Washington: American society for information science.

Prabu, D. (2007). A cyclic model of information seeking in hyperlinked environments: The role of goals, self-efficacy, and intrinsic motivation. *International Journal Of Human-Computer Studies archive*, 65(2), 170-182.

Qasemy, AH. (2004).For teaching information literacy in the development and strengthening of higher education. *Users training and development of information literacy in libraries and information centers*. Mashhad: National libraries, Museums and Documents Center of Astan Qods Razavi, 153-177. (In Persian)

Ren, W. (2001). Self-efficacy and the search for goverment information. *Reference & User Services Quarterly, 38(3)*, 283-291.

Ren, W. (2003). Library instruction and college student self-sufficiency in electronic information searching. *Journal Of Academic Librarianship, 26(5)*, 323-328.

Rouxel, G. (1999). Path analyses of the relations between self-efficacy, anxiety and academic performance. *Eroupean Journal of Psychology Of Education, 14(3)*, 403-421.

Salary, M., & Hasanabady, A. (2004). Identify and analyze important prerequisite for achieving information literacy skills. Users training and development of information literacy in libraries and information centers. Mashhad: Organization of libraries, museums and Documentation Center of Astan Qods Razavi, 97-114. (In Persian)

Santrak, J.W. (2006). Educational psychology, translate by Omidian, M., Yazd: yazd University. (In Persian)

Savlynn, R. (2004). Find information on the internet and network competence definitions to a model of social cognition. Translation Keshavarz, H.. Information Quarterly. 19 (3.4). 61-69. (In Persian)

Savolainen, R. (2002). Network competence and network information seeking on the internet: From definition towards a social cognitive model. *Journal of documentation*, 58(2), 211-226.

Schunk, D. H. (2001). Self- regulation through goal setting. Available at http://encass.uncg.edu/digest/2001-08.html (Accessed 14 May 2012).

Tella, A., ...[et al]. (2007). Self-efficacy and use of electronic information as predictors of academic performance. *Electronic Journal of Academic and Special Librarianship, 8(2), 69-83.*

Waldman, M. (2003). Freshmen's use of library electronic resources and self-efficacy. *Information Resesrch, 8(2)*. Available at http://informationr.net/ir/8-2/paper150.html (Accessed 20 May 2012).

Wilson, T.D. (2000). Human information behavior. *Informing Science*, 3(2), p. 49-56.

Zamany, MA. (2009). *To evaluate the effectiveness of training programs in information literacy skills, presented in Semnan university students graduate courses at the university*. MA thesis in Library and Information Science. Islamic Azad University, Science and Research. (In Persian)